■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۱۰۶ ■ سه شنبه ■ ۲۷ دی ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۴ | اذان مغرب ۱۷/۳۶ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۰ | اذان صبح فردا ۵/۴۵ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۳

سخن روز

امام سجاد(ع):
از گناهان هر چند کوچک بپرهیزید که اصرار بر گناه انسان را به ذلت و درماندگی می‌کشاند.
بحارالانوار، ج۷۲، ص۳۱۸

تعدد چهره‌های ادبی‌مان در جهان اعجاب‌آور است

افشین علا/ ما در حوزه قصه‌گویی باید حرف اول را در جهان بزنیم، زیرا روایت ما متکی بر یک ادبیات غنی است که مشابه آن در کشورهای دیگر دیده نمی‌شود. در دنیا بیشتر به‌عنوان یک سرگرمی به آن نگاه می‌شود و توأم است با جاذبه‌های مدرن و فانتزی. اما ما ضمن اینکه در نحوه روایت و قصه‌گویی، جاذبه‌هایی از نظر بصری و نمایشی برای بچه‌ها داریم، محتوا و پیام حرف اول را در قصه‌هایمان می‌زند. برای همین باید تلاش‌مان را بکنیم تا جشنواره قصه‌گویی به‌عنوان یک دستاورد مدرن در کشورمان به جهان معرفی شود و پرچمدار قصه‌گویی باشیم. ادبیات ما ظرفیت‌های فوق‌العاده گسترده‌ای دارد. یکی از معدود کشورهایی هستیم که تعدد چهره‌های ادبی‌مان در کل جهان اعجاب‌آور است. از ایران چهره‌های ادبی و هنری ما چه در نظم و چه در نثر بسیار پرشمارند و ما را در جهان با ادبیات‌مان می‌شناسند که ثروت اصلی ماست. یکی از دلایل آن این است که ادبیات ما ریشه‌های قرآنی و در هر زمان و اقلیمی، حرفی برای گفتن دارد.

بخشی از گفته‌های این شاعر و نویسنده با ایرنا

هیچ لذتی مثل خواندن وجود ندارد؛ آدم چقدر از کارهای دیگر زودتر خسته می‌شود تا کتاب خواندن. وقتی برای خودم خانه‌ای داشته باشم، اگر یک کتابخانه عالی در آن بنا نکنم، یک انسان بیچاره خواهم بود.

غرور و تعصب، جین آستن

نـــگاره

احمدرضا سهرابی

معلولیت، محدودیت نیست

فضای مجازی

اجرای نمایش «که؟»، واکنش تهیه‌کننده سریال تلویزیونی «موسی(ع)» نسبت به شایعه بودجه، پخش فیلم «تابستانی که برف آمد» با مضمونی اجتماعی، اعلام برندگان جشنواره بین‌المللی فیلم «پالم اسپرینگز»، شعرخوانی شاعران ایرانی در سوریه، انتشار کتاب جدید مهدی رجبی با عنوان «هاله هله‌هوله» و انتشار کتاب «خاطرات یک گاو» نوشته برناردو آچاگا از جمله اهم اخبار فرهنگی وهنری در فضای مجازی است که با هم می‌خوانیم.

■ **تئاتر**

بهمن علاقبندان که این روزها نمایش «که؟» را روی صحنه می‌برد و با تحریم تئاتر در این روزهای خاص مخالف است، گفت: «از آنجا که نمایش ما یک کار فلسفی عرفانی است، توقع نداشتیم تماشاگران خیلی زیادی داشته باشیم اما دوست داریم تماشاگران خاصی که این موضوع برایشان جذاب است، به تماشای نمایش ما بیایند. امیدوارم در شرایط فعلی که مردم خسته و ناراحت هستند، این نمایش کمی حال و هوایشان را عوض کند و برایشان نوعی دلگرمی باشد. البته اجرای یک کار فلسفی خیلی سخت و نیازمند جسارت است که بتوانی آن موضوع را بخوبی درک کنی و درست به مخاطب انتقال بدهی و خوشحالم که ما این جسارت را به خرج دادیم. این نمایش در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر اجرا می‌شود و تا روز چهارشنبه ۲۸ دی ماه روی صحنه است.»

■ **فیلم و سریال**

تهیه‌کننده سریال تلویزیونی «موسی(ع)» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا به پخش شایعه بودجه ۱۰ هزار میلیارد تومانی این سریال در فضای مجازی واکنش نشان داد. محمود رضوی تهیه کننده سریال به‌صورت تلویحی این رقم را از اساس تکذیب کرد. او در توئیتی نوشت: «حاکمی مردی را به هزار ضربه شلاق محکوم کرد. مرد گفت: ای حاکم، یا شلاق نخورده‌ای یا هزار نمی‌دانی چقدر است! حالا داستان همین است یا سریال نساختید یا ۱۰هزار میلیارد نمی‌دانید چقدر است! شما که می‌خواستید دروغ بگید لااقل ۱۰هزارمیلیارد دلار می‌گفتید که باکلاس باشه و بتونید فحش آبدارتر بدید!»

فیلم «تابستانی که برف آمد» با مضمونی اجتماعی در چالش با قانون آماده نمایش شد. به گزارش ایسنا، این فیلم سینمایی به کارگردانی نسیم فروغ و تهیه‌کنندگی مریم بحرالعلومی که تابستان سال جاری مقابل دوربین رفته بود، بدون لحاظ کردن هیچگونه حذف یا ممیزی پروانه نمایش گرفت و برای پخش آماده شد.

جشنواره بین‌المللی فیلم «پالم اسپرینگز» برندگان سی و چهارمین دوره خود را اعلام کرد و فیلم «سنت عمر» به کارگردانی «آلیس دیوپ» که نماینده سینمای فرانسه در اسکار ۲۰۲۳ است، جایزه فیلم خارجی را از هیأت داوران انجمن بین‌المللی منتقدان فیلم (فیپرشی) دریافت کرد. «سنت عمر» که به جمع ۱۵ نامزد اولیه شاخه بهترین فیلم بین‌المللی اسکار ۲۰۲۳ راه یافته است، براساس یک داستان واقعی ساخته شده و درباره رمان‌نویسی جوان است که دادگاه یک مادر سنگالی مهاجر متهم به قتل دخترش را پیگیری می‌کند.

■ **شعر و ادبیات**

شاعران ایرانی در سوریه در وصف شهدای مقاومت و حاج قاسم سلیمانی شعرخوانی کردند. به گزارش ایسنا، فعالان فرهنگی-هنری فلسطینی در مرکز فرهنگی هنری «شهید هنرمند فلسطینی ناجی‌العلی» در دمشق میزبان شاعران و هنرمندان ایرانی شدند. به‌مناسبت سومین سالگرد شهید حاج قاسم سلیمانی و همرزمان ایشان، جبهه مردمی آزادسازی فلسطین در سوریه، اتحادیه نویسندگان و روزنامه‌نگاران فلسطینی و انجمن دوستی ایران و فلسطین با همکاری «حوزه هنری انقلاب اسلامی» طی همایشی در اردوگاه شهدای فلسطینیان (مخیم الشهداء) در دمشق میزبان شاعران کشورمان شدند.

مهدی رجبی از انتشار کتاب جدید خود با عنوان «هاله هله‌هوله» و آماده بودن دیگر کتابش درباره سیل خبر داد. این نویسنده و مترجم ادبیات کودک و نوجوان درباره کتاب‌های جدید خود به ایسنا، گفت: «هاله هله‌هوله» اثر جدید من است. این کتاب، کتاب بامزه‌ای است و به خاطر تصویرسازی‌هایش، انتشارش کمی طول کشید. کتاب که در انتشارات طوطی منتشر شده، درباره دختربچه‌ای است که مدام هله‌هوله می‌خورد و خودش نیز هله‌هوله اختراع می‌کند؛ در واقع با ترکیب هله‌هوله‌ها، هله‌هوله جدید اختراع کرده و با بازی‌های زبانی برای آنها اسم می‌گذارد. ترکیب شدن هله‌هوله‌ها و بازی‌های زبانی برای کودکان جالب است؛ مثلاً اگر ویفر و اسمارتیز و پفک را با هم ترکیب کنید می‌شود «ویفر، اسمارتیز، پفک» اما دختر داستان ما نامش را می‌گذارد «ویفرتیزفک» و یک هله‌هوله جدید، درست می‌کند.

«خاطرات یک گاو» زندگینامه‌نویسی گاوی است که در دل جنگ داخلی اسپانیا به دنیا آمده‌است گاوی که وقتش رسیده در زندگی‌اش تحولی ایجاد کند. به گزارش ایرنا، نسخه اصلی کتاب خاطرات یک گاو در سال ۲۰۰۹ منتشر شده‌است. نویسنده کتاب در پیشگفتار آن، ماجرای خلق این داستان را اینچنین بیان می‌کند: روزی در جنگلی میان کوه‌های سرزمین باسک قدم می‌زدم که دو چیز توجهم را جلب کرد: اولی گوساله نوزادی که چشم‌هایش هنوز بسته بود و روی علف‌ها دراز کشیده بود؛ و کمی بعد دومی، لاشه زنگاربسته‌ای که در نگاه اول هواپیمایی کوچک به نظر می‌رسید. به سرگذشت هردوی آنها فکر کردم. وقتی این گوساله گاو شود، چه به روزش می‌آید؟ ماجرای این هواپیما چه بوده؟ درنهایت، حس کردم باید به پاسخی احتمالی برسم. قوه منطق یاری‌ام کرد، اما بهترین یارم در این راه قوه خیال بود. نتیجه‌اش شد همین کتابی که شما، خواننده عزیز اکنون در دست دارید، داستان گاوی به نام مو. خاطرات یک گاو نوشته برناردو آچاگا و ترجمه علیرضا شفیعی نسب در ۱۶۸ صفحه و با قیمت ۶۵ هزار تومان، در شمارگان ۹۹۰ نسخه و در سال ۱۴۰۱ توسط انتشارات آفرینگان برای نوجوانان منتشر شده است.

زیبـایی و زشتی

یادداشت

محسن نفر
نوازنده و آهنگساز

شرط اصلی در هنر، مواجهه با زیبایی است! اگر مواجهه با زشتی در هنر، شرط بود، چه تفاوتی میان هنر و غیر آن بود؟ ما به‌طور معمول با پدیده‌های زشت و نازیبا، مواجه هستیم. چرا باید با آنها دوباره مواجه شویم؟ آن هم درهنر؟! سؤال را به عکس طرح کنیم! چرا باید با زیبایی در هنر مواجه باشیم؟ چرا هنر تنها باید محمل زیبایی باشد؟! زیرا زیبایی کمال است و زشتی نیست! زیبایی خود کمال است و به کمال نیز می‌رساند. اما زشتی کمال نیست! ولی آیا می‌توان از زشتی به کمال رسید؟! از زشتی، زشتی برون آید و زشتی نه کمال است و نه به کمال می‌رساند و نه می‌تواند که کمال باشد! اما از زیبایی، زیبایی زاید و زیبایی کمال است و می‌تواند به کمال برساند! آیا هر نوع زیبایی، کمال است و هر نوع زشتی، ضد کمال؟! آری هر نوع زیبایی کمال است. اما هر نوع زشتی، لزوماً ضد کمال نیست ولی حتماً غیر کمال است! غیریت اعم از ضدیت است! گاهی مساوی با آن و گاهی غیر از آن است. آیا می‌توان اطمینان داشت که زیبایی همیشه به زیبایی می‌رساند و زشتی به زشتی؟! خیر! زیبایی در همه حالات و وضعیت‌ها، کمال است. اما در همه حالات و وضعیات، هادی به کمال نیست! بستگی به علت فاعلی آن دارد. زیبایی از سوی خدای تبارک و تعالی، همیشه هادی به زیبایی و زیباتر و البته کمال است. اما نزد غیر او، همیشه چنین نیست! خاصه نزد انسان! انسان به‌عنوان علت فاعلی، زمانی از زیبایی، که البته خود کمال است، به کمال می‌رساند که خودش شامل و مشمول کمال و حاوی آن باشد. انسانی که چنین باشد، به کمال می‌رساند. داشتن کمال، شرط لازم راهبری به سمت آن است. یکی از مهم‌ترین کمالات و زیبایی‌ها، هدف خوب و نیت خیر است. مسلماً همه خوبی‌ها، کمال هستند. زیرا همه آنها به خیر یعنی فایده یا پایان نیک و فرجام خوش، ختم می‌شوند! اما بدی‌ها، چنین نیستند. پس انسان اگر هدف نیک یا نیت نیک داشته باشد، این زیبا است واگر زیبایی در اختیارش باشد، با آن به زیبایی و زیبایی بزرگتر می‌رسد و می‌رساند! اما اگر چنین نباشد، به وسیله زیبایی، که خود کمال است، به زشتی می‌رسد و می‌رساند و زشتی ضد کمال و پایانش شَر و ضرر است و فرجام بد! چرا؟ زشتی چیست؟ چرا به شر ختم می‌شود؟ چرا فرجامش بد است؟ زشتی تنها زمانی به شر ختم می‌شود که در حوزه اخلاق و اخلاقیات مطرح شود! این زشتی، بد فرجام است. اما هنوز نمی‌دانیم زشتی چیست؟! زیبایی در حوزه محسوسات و معقولات مُدَرک است. زیبایی محسوسات، هر آن چیزی است که به وسیله حواس ظاهری و پنجگانه احساس و ادراک می‌شود و موجب لذت و نوازش آنها است. زیبایی معقولات، شامل مفهومات و مُدَرکات و امور ذهنی و روانی و همچنین اخلاقیات و امور اخلاقی است. تمام فضایل و محاسن اخلاقی، زیبایی معنوی و معقول هستند. ادراک زیبایی‌های معنوی، توسط عقل است و زیبایی‌های معنوی، اگر جنبه خیر و فضیلت داشته باشند، در حوزه اخلاق و اخلاقیات قرار دارند! بگو زیبایی معنوی که در حوزه اخلاق نباشد، کدام است؟! احساس لذت از حل یک مسأله ریاضی. احساس لذتی که متوجه روح است و حواس و قوای ظاهری، کمتر در آن دخیلند! پس احساس لذت از علم و علوم و دانایی و دانش و دانستن، معنوی است اما اخلاقی نیست! هرگاه فضیلت، یعنی ارزش و ارجمندی در میان باشد، رد اخلاق مشاهده می‌شود. زیرا فضیلت همیشه منجر و رهنمون به خیر است و حل مسأله ریاضی و علم دوستی و لذت از آن، لزوماً چنین نیست! تخریب طبیعت، نابودی محیط زیست و حیوانات، تنگ شدن عرصه حیات وموجودات، حاصل علم و دانشِ بریده از اخلاق است! چه بسا دانشمندانی چنان، با ولعی بسیار و با لذتی وصف ناشدنی، مجذوب چنان علم و دانشی بوده‌اند و هر قدر مجذوبیت شان بدان‌ها بیشتر بوده، دستاوردهای خطرناک تری برای زندگی و زندگان، به بار آورده‌اند. پس خیر، یعنی فضیلت، یا رساندن فایده وخوبی و بهتر بگوییم ایصال به کمال، فقط به وسیله اخلاق است و در گرو آن. حتی علم هم، فایدت و خیرش، در اتصال با اخلاق ممکن و میسر است و در غیر این صورت، با همه لذات معنوی اش، منجر به شر و تخریب و نابودی است و آیا همه اینها غیر زشت نیست؟! پس زشتی‌ها، در حوزه نامحسوسات، یا معقولات و معنویات، نایل به شر هستند و زشتی‌های محسوس، ذاتاً بد آیند و گاهی نفرت انگیزند. زیرا زشتی، گریز انگیز و دافع است و هر چیزی چنین، جاذب و جذاب نیست! اگرچه ممکن است جالب! بسیاری امور که زشت‌ها هم در میانشان هست، جلب می‌کنند اما جذب نمی‌کنند. جذابیت بوسیله زیبایی رخ می‌دهد. زشتی نهایتاً جلب می‌کند ولی جذب نمی‌کند! آنچه از جذب راجع به زشتی تصور می‌شود، همان جذب است نه جلب. جذب، همیشه با زیبایی و ادراک آن تحقق می‌یابد!!!

جاده لغزنده فضای مجازی! با احتیاط برانید!

نگاه

محمد حسن موحدی

در دنیای همه ما اضطراب نقش ویژه‌ای را بازی می‌کند. هر روز در موقعیت‌های مختلف به سراغمان می‌آید و سعی می‌کند ما را به خود درگیر کند. گروهی اضطراب آینده را دارند؛ از آینده‌ای که به سراغ‌شان می‌آید، می‌ترسند. گروهی نگران شکست‌هایشان هستند و به همین دلیل، فعالیت جدیدی را شروع نمی‌کنند. عده‌ای هم در رابطه با فرد دیگر اضطراب‌های مختلفی را تجربه می‌کنند؛ مرگ هم برای عده زیادی ترسی عجیب را ایجاد می‌کند؛ به‌هرحال هر کس به نوعی در طول روز، ماه یا سالش با اضطراب ملاقات خواهد کرد. اما اضطراب‌های ما معمولاً دو پایه اصلی دارند: یا موقعیتی که در آن قرار می‌گیریم برایمان مبهم است که نمی‌دانیم چه اتفاقی برایمان خواهد افتاد؛ مانند مرگ که چون دنیای پس از آن را از نزدیک ندیده‌ایم برایمان ابهام دارد؛ یا اینکه موقعیت برایمان کنترل‌ناپذیر است؛ یعنی نمی‌توانیم شرایط آن را تحت نظر خود بگیریم؛ مثل اضطراب امتحان که نمی‌دانیم معلم یا استاد چگونه سؤالات را طراحی می‌کند و بر آن کنترلی نداریم.

در زمان‌های اضطراب، بسیاری از ما یاد گرفته‌ایم که از واکنش‌های دفاعی استفاده کنیم: موضوع اضطراب‌آمیز را انکار می‌کنیم، یا احساساتی که برای ما اضطراب و نگرانی را به ارمغان می‌آورند، به دیگران فرافکنی می‌کنیم. مثلاً از کسی عصبانی هستیم و از طرفی می‌ترسیم که با نشان دادن عصبانیت خود، آن فرد را از دست بدهیم پس یا این عصبانیت را انکار می‌کنیم یا آن را به دیگران نسبت می‌دهیم که تو عصبانی هستی؛ تو از چیزی ناراحتی یا غیره. اما واکنش‌های دفاعی ما به انکار یا فرافکنی محدود نمی‌شود و در موقعیت‌های مختلف، از دفاع‌های متنوعی استفاده می‌کنیم. البته هر چه کودکی ایمن‌تری را تجربه کرده باشیم، حجم استفاده از این واکنش‌ها کمتر می‌شود.

یکی از اصلی‌ترین اضطراب‌های روزمره ما اضطراب انتخاب است. ما بر سر دوراهی‌های زیادی قرار می‌گیریم. به نوعی دائماً با قرص آبی و قرمز فیلم «ماتریکس» روبه‌رو هستیم و چون در بسیاری از موقعیت‌ها از عواقب انتخاب خود آگاه نیستیم یا حداقل می‌ترسیم که بر آن کنترلی نداشته باشیم، دلشوره و نگرانی وجودمان را فرامی‌گیرد. به‌طور کلی تصمیم‌گیری کار آسانی نیست. مخصوصاً هر چه عواقب و آثار تصمیم‌گیری بیشتر یا عمیق‌تر باشد، تصمیم‌گیری سخت‌تر می‌شود. مثلاً تصمیم برای عمل جراحی‌ای که ممکن است جان یک فرد را تهدید کند، اضطراب و فشار زیادی را به خانواده او تحمیل می‌کند و تصمیم‌گیری را سخت می‌کند. گروهی از مردم در زمان چنین تصمیم‌گیری‌هایی عقب می‌کشند و به کل ماجرا را انکار می‌کنند یا اهمال‌کار شده و کارها را به تعویق می‌اندازند. اما گاهی در انتخاب‌هایمان که اضطراب زیادی را برایمان ایجاد می‌کند، با فرار از موقعیت سعی می‌کنیم آنها را به مراجع قدرت بسپاریم تا اگر عواقبی دامنگیرمان شد، بتوانیم خسارت آنها را از این مراجع بگیریم. مثلاً بارها در اتاق درمان از مراجعینم شنیده‌ام که می‌گویند: «درباره این موضوع اگر جای من بودید چه می‌کردید؟» یا بارها از من خواسته‌اند که به جایشان تصمیم بگیرم؛ اما معمولاً در جواب می‌گویم «قرار است تو پشت فرمان زندگی‌ات بشینی و من جای تو رانندگی نخواهم کرد چون اگر تصادفی رخ دهد، تو به دنبال آن هستی کسی را مقصر کنی و بگویی تو داشتی رانندگی می‌کردی؛ بعلاوه رانندگی خوب خودت را هم نادیده خواهی گرفت از این رو من جای تو تصمیم نمی‌گیرم.»

یکی از مراجع قدرت ما که همه چیز را در آینده به گردن آنها خواهیم انداخت، سلبریتی‌ها هستند؛ گروهی از مردم جامعه در برابر انتخاب‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... خود تصمیم‌گیری را به عهده سلبریتی‌ها می‌گذارند؛ این سلبریتی‌ها لزوماً بازیگران، فوتبالیست‌ها یا.... نیستند. با توسعه شبکه‌های اجتماعی بلاگرها، مدیران صفحات اجتماعی، اینفلوئنسرها، اساتید دانشگاه، کارشناسان هر رشته‌ای و یا افراد دیگر می‌توانند نقش یک فرد تأثیرگذار را در انتخاب‌های ما بازی کنند. این جریان دو محور مهم دارد: اولاً مسئولیت افراد تأثیرگذار جامعه را بیش از پیش می‌کند، چرا که آدم‌ها دوست دارند عواقب کارهای خود را گردن آنها بیندازند. بنابراین هر رفتار الگوسازی می‌تواند تأثیرگذار باشد. ثانیاً اینکه ما باید بدانیم چه کسانی را دنبال می‌کنیم. بنابراین نیاز به مراقبت بیشتری در سبک زندگی و فضای مجازی‌مان احساس می‌شود. مراقبتی که هم باید توسط تأثیرگذاران شبکه‌های اجتماعی و هم توسط مردم به‌عنوان دنبال‌کنندگان آنها صورت گیرد، چرا که تأثیرات فضای مجازی، زندگی واقعی ما را دچار دگرگونی خواهد کرد.

کنکاش درباره هنرمندبودن

پیشنهاد

محمد قریب
فیلمساز

اگر شما هم مثل من، علاقه به دیدن فیلم‌هایی با موضوع بیوگرافی دارید، پس حتماً فیلم «tar» را ببینید. تاد فیلد بازیگر و کارگردان امریکایی در سومین تجربه فیلمسازی‌اش قصه «لیدیا تار» یک رهبر ارکستر زن شناخته شده (با بازی کیت بلانشت) را تعریف می‌کند که می‌خواهد خود را برای رهبری و ضبط سمفونی شماره ۵ «گوستاو مالر» آماده کند. زنی مغرور، با پرستیژ یک دانشمند نامدار و چیره‌دست در فن موسیقی و فصاحت کلام که هر رقیب را از میدان به‌در می‌کند و روی صحنه چنان خودنمایی می‌کند که شیفته شخصیت پیچیده و مرموز او می‌شویم. پیش از خود فیلم چند خطی درباره کارگردان عجیب‌اش، یعنی تاد فیلد بگوییم. فیلد (کارگردانی که دو فیلم «در اتاق خواب» محصول ۲۰۰۱ و «بچه‌های کوچک» محصول ۲۰۰۶ را در کارنامه خود دارد و برای این دو فیلم نامزدی جایزه اسکار بهترین فیلم و بهترین فیلمنامه اقتباسی را کسب کرد) بازیگری است که یک‌روز به این نتیجه رسید که بازیگری دیگر راضی‌اش نمی‌کند و زد به حرفه کارگردانی؛ اما چنان به وسواس و کُند که ساخت سومین فیلم بلندش یعنی همین «تار» ۱۶ سال طول کشید اما بنا به گفته منتقدان گویا این ۱۶سال کافی بوده تا نتیجه فیلم جدید آقای کارگردان چیزی مسحورکننده از کار دربیاید تا آنجا که بلافاصله پس از پایان کار، فیلم پا به جشنواره‌ای مهم گذاشت و نقل محافل سینمایی شد. منتقدان سینما یک‌صدا فیلم جدید فیلد را ستوده‌اند و آن را در قیاس با دو اثر قبلی او، فیلمی کاملاً متفاوت لقب داده‌اند که با جزئیات فراوان از فرازها و فرودهای زندگی حرفه‌ای یک رهبر ارکستر می‌گوید و چنان بیننده را به عمق داستان و شخصیت می‌کشاند که نمی‌تواند یک‌لحظه چشم از پرده سینما یا برای ما ایرانی‌ها، تلویزیون بردارد.

تیم گریرسون منتقد «اسکرین‌دیلی» که به این فیلم امتیاز ۸ از ۱۰ داده است درباره «تار» و «فیلد» می‌نویسد: هنرمند بودن در سال ۲۰۲۲ چگونه است؟ سومین فیلم نویسنده و کارگردان تاد فیلد می‌خواهد به شکلی جسورانه به این سؤال پاسخ بدهد، با روایتی از زندگی شخصی و حرفه‌ای رهبر ارکستر و آهنگسازی نامدار که خواب‌آلود به بحرانی وجودی قدم می‌گذارد. کیت بلانشت در این مطالعه شخصیتی مرموز، استثنایی ظاهر شده است و ما را در جهان خاص و یکتای قهرمان فرو می‌برد. با اعتماد به ما که خواهیم توانست بدون وجود نقشه راهمان را پیدا کنیم، جایی که تلاش‌های درونی برای موفقیت در زندگی کم‌کم رخ می‌نماید. جادوی گیرای «تار» در یک سوم پایانی فیلم کم‌رنگ می‌شود اما با این‌حال این فیلم اثری نادر درباره فردی خلاق است که نه دلش به حال خود می‌سوزد و نه از خود تعریف می‌کند. در واقع یکی از قدرت‌های اصلی این فیلم این است که هیچ‌وقت معلوم نیست که فیلد درباره قهرمان پیچیده خود چه فکر می‌کند. «تار» سپتامبر ۲۰۲۲ برای نخستین بار در هفتادونهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز به نمایش درآمد و بلانشت در آنجا جام ولپی بهترین بازیگر زن را دریافت کرد و در مراسم گلدن گلوب هم نامزد دریافت جوایز بهترین فیلم درام و بهترین بازیگر و همچنین بهترین فیلمنامه بود که درنهایت بلانشت توانست جایزه بهترین بازیگر زن را از آن خود کند.

■ **تار**
■ **کارگردان: تاد فیلد**
■ **بازیگران: کیت بلانشت، نوئمی مرلان، نینا هوس**
■ **محصولِ ۲۰۲۲**

موج کره‌ای در سواحل ایران

کلمه

حسام آبنوس
روزنامه‌نگار

عرصه فرهنگ عرصه اثرگذاری است. کافی است اثرگذار باشی تا بتوانی هر حرف و عملی را که می‌خواهی به جامعه منتقل کنی. در فرهنگ روزگار ما هم، قطب اثرگذار سلبریتی‌هایند؛ باید گفت فرهنگ سلبریتی‌محور شده. نه خوب است نه بد. مثل چاقو است که اگر از آن درست استفاده شود فواید زیادی دارد و اگر درست استفاده نشود... همه از عواقب این استفاده نادرست آگاهیم. من نمی‌خواهم اینجا درباره سلبریتی‌ها و بایدها و نبایدهای فرهنگ سلبریتی‌ها، سلبریتی فرهنگی، فرهنگ سلبریتی‌زده و... حرف بزنم. بلکه می‌خواهم درباره چیز دیگری بنویسم. متن و کلمه. کلمه مهم است. بارها و بارها درباره اهمیت کلمه و متنی که با کنار هم چیده شدن کلمات خلق می‌شود حرف زده‌اند و باز هم حرف می‌زنند. باز هم باید تأکید کنم که نمی‌خواهم درباره اهمیت کلمه و متن حرف بزنم. اما ماجرا به همین دو کلمه بر می‌گردد، سلبریتی و متن. سلبریتی و کتاب. یک سؤال می‌پرسم و جوابش را در ذهن خودتان پیدا کنید. چند سلبریتی ایرانی، بخصوص در حوزه‌هایی که نوجوانان و جوانان بیشتر طرفدار آن‌ها هستند، می‌شناسید که هم کتاب بخوانند و هم کتاب معرفی کنند؟ این سؤال در ذهن خودم زمانی پررنگ شد که شنیدم عضو یکی از گروه‌های موسیقی پاپ کره‌ای موسوم به «BTS»، کتاب معرفی می‌کند و از قضا ترجمه آن کتاب‌ها در میان قشر نوجوان و جوان ایرانی پرفروش می‌شود. یعنی تصور کنید یک گروه موسیقی کره‌ای که در کشور ما هم طرفدار دارند، می‌توانند در بازار کتاب کشور دیگری با هزاران کیلومتر فاصله موج‌سازی کنند و اثر بگذارند. البته متوجه این نکته هستم که نشر یک فعالیت اقتصادی است و احتمالاً عضو یک گروه موسیقی با هماهنگی ناشر یا نویسنده و با در نظر گرفتن حاشیه سود اقتصادی (که از قواعد دنیای جدید است که سلبریتی‌ها آب خوردن‌شان هم بدون پول نباشد) چنین کاری بکنند. برای همین شاید سؤالی که پرسیدم «چند سلبریتی ایرانی می‌شناسید که کتاب معرفی کند؟» سؤال درستی نباشد، زیرا در کشور ما بنا بر این است که کار فرهنگی کاری بی‌جیره و مواجب است و سلبریتی هم باید در این فضا برای فرهنگ و اعتلای آن قدم بردارد. ولی با این حال می‌دانیم که کم نیستند ناشرانی که حاضرند برای تبلیغ و فروش کتاب‌هایشان از چنین روش‌هایی استفاده کنند ولی سلبریتی‌ها یا دغدغه ماجراهای مرتبط با کتاب را ندارند یا اینکه آنقدر گران‌اند که نمی‌شود سمت‌شان رفت. در هر صورت بعد از اینکه «BTS» در عالم موسیقی جهان را به تسخیر خودشان درآوردند (بی‌تی‌اس در سال ۲۰۲۰، به نخستین هنرمند کره‌ای تبدیل شد که با تک آهنگ «دینامیت» و ریمیکس «عشق وحشی»، در صدر جدول‌های «۱۰۰ آهنگ داغ» و «۲۰۰ آهنگ جهانی بیلبورد» قرار گرفت و با انتشار «زندگی ادامه دارد»، به نخستین گروهی در تاریخ تبدیل شد که دو تک آهنگش بلافاصله پس از انتشار، در «۱۰۰ آهنگ داغ» شماره یک شد) حالا فعالیت‌های جانبی‌شان مانند کتاب خواندن آنها، هم اماواجش به کیلومترها این طرف‌تر، به سواحل بازار کتاب ایران رسیده است و این نشان می‌دهد سلبریتی‌ها مهم‌اند.

عکس نوشت

سامانه بارشی این روزها جلوه متفاوتی به نقاط مختلف کشورمان از جمله همدان بخشیده، گشت و گذاری هرچند کوتاه در فضای مجازی کافی است تا با فهرست بلندبالایی از تصاویری روبه‌رو شوید که زیبایی‌های پوشیده از برف این استان را پیش رویتان قرار می‌دهند. در این بین مجسمه بوعلی سینا هم از حال و هوای زمستانی بی‌نصیب نمانده است./ فارس